

دادگاه قانون اساسی جمهوری ترکیه: مبانی، صلاحیت‌ها، رویه‌ها و چالش‌ها

نویسنده: دکتر امیرحمزه زینالی (ارهان)

مقدمه

دادگاه قانون اساسی ترکیه (Anayasa Mahkemesi) به اختصار AYM یکی از ارکان حیاتی و عالی‌ترین مرجع قضایی در جمهوری ترکیه است. این دادگاه برای نخستین بار در قانون اساسی ۱۹۶۱ با الگوبرداری از سیستم‌های دادرسی اساسی اروپایی (نظیر آلمان و ایتالیا) تأسیس شد و هدف اصلی آن پاسداری از برتری قانون اساسی و صیانت از حقوق بنیادین شهروندان است. این نهاد در قانون اساسی ۱۹۸۲ نیز با تغییراتی حفظ شد و با اصلاحات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷، تحولات چشمگیری در ساختار و صلاحیت‌های آن به وجود آمد. این مقاله به بررسی مبانی قانونی، ساختار، صلاحیت‌ها، فرایند دادرسی، جایگاه نهادی، و چالش‌های عملی این دادگاه مستند به مواد قانونی و رویه قضایی می‌پردازد.

۱. مبانی قانونی تشکیل و ساختار دادگاه

الف) مبانی قانونی

تشکیلات، وظایف و اختیارات دادگاه قانون اساسی ترکیه به‌طور مشخص در اصول ۱۴۶ تا ۱۵۳ قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه تدوین شده است. علاوه بر قانون اساسی، جزئیات دادرسی و سازمان‌دهی داخلی این نهاد در «قانون تأسیس و آیین دادرسی دادگاه قانون اساسی» (قانون شماره ۶۲۱۶ مصوب ۲۰۱۱) تصریح شده است.

ب) ساختار و ترکیب اعضا

بر اساس اصل ۱۴۶ قانون اساسی (اصلاحی ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷)، دادگاه قانون اساسی از ۱۵ عضو (قاضی عالی‌رتبه) تشکیل می‌شود:

۳ عضو توسط مجلس ملی کبیر ترکیه (TBMM) انتخاب می‌شوند (از میان رؤسای کانون‌های وکلای و قضات دیوان محاسبات).

۱۲ عضو مستقیماً توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌گردند (از میان قضات دیوان عالی کشور (Yargıtay)، شورای دولتی (Danıştay)، اساتید ارشد حقوق دانشگاه‌ها، و وکلای پایه یک و مقامات ارشد دولتی).

دوره تصدی قضات این دادگاه ۱۲ سال است و هیچ عضوی نمی‌تواند برای دو بار متوالی انتخاب شود. سن بازنشستگی اعضا نیز ۶۵ سال است. دادگاه قانون اساسی دارای یک «هیئت عمومی (Genel Kurul) و دو «شعبه (Bölüm)» است.

۲. صلاحیت‌ها و وظایف دادگاه قانون اساسی

دادگاه قانون اساسی مستند به اصل ۱۴۸ قانون اساسی ترکیه دارای صلاحیت‌های ذاتی زیر است:

الف. کنترل قانون اساسی (نظارت بر قوانین):

این دادگاه وظیفه دارد تا انطباق قوانین عادی، فرامین ریاست جمهوری (Cumhurbaşkanlığı Kararnameleri) و آیین‌نامه‌های داخلی مجلس را با قانون اساسی (از نظر شکلی و ماهوی) بررسی کند.

ب. رسیدگی به «شکایت فردی»: (Bireysel Başvuru)»

با اصلاحات سال ۲۰۱۰، حق شکایت فردی به صلاحیت‌های این دادگاه افزوده شد. بر اساس این اصل، هر شهروندی که معتقد باشد یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین او (که در قانون اساسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین شده) توسط قدرت عمومی نقض شده است، می‌تواند به این دادگاه شکایت کند.

ج. دیوان عالی محاکمات: (Yüce Divan)

دادگاه قانون اساسی در قالب «دیوان عالی» صلاحیت رسیدگی کیفری به جرایم مرتبط با وظایف مقامات عالی‌رتبه از جمله رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزرا، رؤسای دادگاه‌های عالی، و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح را دارد.

د. انحلال احزاب سیاسی:

رسیدگی به دادخواست‌های دادستان کل دیوان عالی کشور مبنی بر تعطیلی و انحلال احزاب سیاسی (به دلیل نقض اصول بنیادین جمهوری نظیر سکولاریسم یا تمامیت ارضی) منحصراً در صلاحیت این دادگاه است.

۳. فرایند دادرسی و رسیدگی

فرایند رسیدگی در این دادگاه بسته به نوع دعوا متفاوت است:

الف) دعوای ابطال - (İptal Davası) نظارت انتزاعی:

رئیس‌جمهور و همچنین دو گروه پارلمانی که بیشترین کرسی‌ها را در مجلس دارند (و یا یک پنجم کل نمایندگان مجلس) حق دارند حداکثر ظرف ۶۰ روز از زمان انتشار قانون در روزنامه رسمی، دعوای ابطال قانون را در دادگاه قانون اساسی مطرح کنند. دادگاه بدون احضار طرفین و صرفاً بر اساس اوراق پرونده و استدلال‌های حقوقی رأی به تأیید یا ابطال (Bozma) قانون می‌دهد.

ب) ایراد قانون اساسی - (İtiraz Yolu) نظارت ملموس:

اگر یک قاضی در دادگاه‌های بدوی یا عالی (هنگام رسیدگی به یک پرونده جاری) تشخیص دهد که قانونی که باید در آن پرونده اعمال شود با قانون اساسی مغایرت دارد، می‌تواند رسیدگی را متوقف کرده و پرونده را جهت اظهار نظر به دادگاه قانون اساسی بفرستد. دادگاه قانون اساسی موظف است ظرف ۵ ماه تصمیم خود را اعلام کند.

ج) فرایند رسیدگی به شکایت فردی: (Bireysel Başvuru)

این دعوا تنها زمانی مسموع است که خواهان «تمامی راه‌های حقوقی و قضایی داخلی» (نظیر استیناف و فرجام‌خواهی در دیوان عالی) را طی کرده باشد. فرد ۳۰ روز پس از ابلاغ قطعی آخرین رأی مهلت دارد تا شکایت خود را ثبت کند. شعبه‌های دادگاه ابتدا «قابلیت استماع» پرونده را بررسی می‌کنند و در صورت پذیرش، بررسی ماهوی صورت می‌گیرد. در صورت احراز نقض حق، دادگاه دستور توقف نقض، اعاده دادرسی در دادگاه پایین‌تر و گاه پرداخت غرامت را صادر می‌کند.

۴. جایگاه دادگاه در ساختار قضایی ترکیه

در ساختار قضایی ترکیه، اگرچه دیوان عالی کشور (Yargıtay) عالی‌ترین مرجع محاکم حقوقی/کیفری و شورای دولتی (Danıştay) عالی‌ترین مرجع محاکم اداری است، اما دادگاه قانون اساسی در رأس هرم حاکمیت حقوقی قرار دارد.

مستند به اصل ۱۵۳ قانون اساسی، آرای دادگاه قانون اساسی «قطعی» بوده و برای قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه (تمامی محاکم از جمله یارگیتای و دانشتای)، و سازمان‌های اداری و اشخاص حقیقی و حقوقی الزام‌آور است. هیچ نهادی حق وتو یا تغییر تصمیمات این دادگاه را ندارد.

۵. نمونه های کاربردی و رویه قضایی (Case Law)

برای درک بهتر عملکرد این نهاد، به دو مثال عملی از رویه قضایی آن در سال‌های اخیر اشاره می‌کنیم:

پرونده اول: ابطال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی (آزادی بیان)

در سال ۲۰۱۴، دولت وقت ترکیه دستور مسدودسازی شبکه اجتماعی توئیتر (X کنونی) و یوتیوب را صادر کرد. شهروندان و برخی نهادهای مدنی با استفاده از مکانیسم «شکایت فردی» به دادگاه قانون اساسی مراجعه کردند. دادگاه با صدور رأیی تاریخی اعلام کرد که این انسداد، ناقض «آزادی بیان و ارتباطات» (مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی) است. با ابلاغ این رأی، دولت و نهادهای مخابراتی موظف به رفع فیلتر فوراً شدند. این رویه قضایی نشان‌دهنده قدرت دادگاه در مهار تصمیمات اجرایی دولت است.

پرونده دوم: آزادی روزنامه‌نگاران بازداشتی

در پرونده‌های متعددی که روزنامه‌نگاران (مانند پرونده جان دوندار و اردم گول) به اتهام افشای اسرار دولتی بازداشت شده بودند، دادگاه قانون اساسی با بررسی شکایت فردی آن‌ها دریافت که بازداشت موقت طولانی‌مدت و بدون ادله کافی، مغایر با حق «آزادی و امنیت شخصی» است. دادگاه دستور آزادی آن‌ها را صادر کرد و دادگاه‌های کیفری بدوی مکلف به اجرای رأی و آزادی متهمان شدند (هرچند این احکام گاه با انتقاد شدید مقامات اجرایی روبرو شد).

۶. چالش‌ها، موانع و مشکلات طرح دعوا و رسیدگی

با وجود جایگاه رفیع دادگاه قانون اساسی، این نهاد در سال‌های اخیر با موانع و چالش‌های حقوقی و سیاسی متعددی مواجه شده است:

۱. بحران صلاحیت و مقاومت محاکم عالی (پرونده جان آتالای):

یکی از بزرگترین چالش‌های تاریخ قضایی ترکیه در اواخر سال ۲۰۲۳ و اوایل ۲۰۲۴ رخ داد. «جان آتالای»، وکیل دادگستری و نماینده منتخب مجلس که در زندان به سر می‌برد بعد از انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس، به دادگاه قانون اساسی شکایت فردی کرد. دادگاه قانون اساسی دو بار حکم داد که حق انتخاب شدن وی نقض شده و دستور آزادی او را صادر کرد. با این حال، شعبه سوم دیوان عالی کشور (Yargıtay 3. Ceza Dairesi) با صدور رأیی بی‌سابقه، از اجرای حکم دادگاه قانون اساسی امتناع کرد و حتی از قضاوت دادگاه قانون اساسی به اتهام «تخطی از قانون اساسی» شکایت کیفری نمود! این رویداد نشان داد که ضمانت اجرای اصل ۱۵۳ قانون اساسی در مواقعی که تنش سیاسی بالاست، با بحران مواجه می‌شود.

۲. تراکم فوق‌العاده پرونده‌های شکایت فردی:

به دلیل ناکارآمدی برخی دادگاه‌های بدوی، حجم عظیمی از پرونده‌ها به عنوان «شکایت فردی» به دادگاه قانون اساسی سرازیر می‌شود (سالانه ده‌ها هزار پرونده). این ترافیک سنگین قضایی موجب اطاله دادرسی شده و گاهی رسیدگی به یک شکایت فردی سال‌ها به طول می‌انجامد که خود نقض دادرسی در زمان معقول است.

۳. فشارهای سیاسی و تقابل با اکثریت دموکراتیک:

از دیدگاه دکترین حقوق، همواره این چالش وجود دارد که آیا دادگاه قانون اساسی به عنوان یک نهاد انتصابی باید بتواند قوانین مصوب پارلمان (نمایندگان منتخب مردم) را ابطال کند؟ این مفهوم که به «دیکتاتوری قضات» (Juristocracy) در برابر «دموکراسی اکثریتی» تعبیر می‌شود، همواره مورد بحث احزاب حاکم بوده است. سیاستمداران گاه دادگاه قانون اساسی را متهم می‌کنند که به جای نظارت شکلی، وارد قانون‌گذاری (مداخله ماهوی) می‌شود.

۴. شرایط سخت‌گیرانه پذیرش شکایت فردی:

قوانین ترکیه مقرر کرده‌اند که شهروندان باید حتماً تمام راه‌های داخلی را طی کرده باشند. در بسیاری از موارد، طولانی شدن روند رسیدگی در دادگاه‌های بدوی و استیناف عملاً مانع دسترسی سریع قربانی به دادگاه قانون اساسی می‌شود. علاوه بر این، دیوان قانون اساسی شکایت‌هایی که فاقد استدلال قوی حقوق بشری باشند را در همان مرحله اول (قابلیت استماع) رد می‌کند و در نتیجه وارد رسیدگی بنیادین نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

دادگاه قانون اساسی ترکیه (Anayasa Mahkemesi) به عنوان نگهبان بلامنازع قانون اساسی، نقشی محوری در دموکراسی و اجرای حاکمیت قانون در این کشور ایفا می‌کند. سازوکارهایی نظیر «دعوی ابطال» و «شکایت فردی»، ابزارهای قدرتمندی در دست شهروندان و احزاب سیاسی برای کنترل قدرت دولتی هستند. با این وجود، بحران‌های اخیر میان این نهاد و دیوان عالی کشور، و همچنین سنگینی بار پرونده‌ها نشان می‌دهد که سیستم قضایی ترکیه برای حفظ استقلال و کارآمدی دادگاه قانون اساسی، نیازمند تثبیت رویه‌ها، احترام متقابل نهادهای حاکمیتی به اصل تفکیک قوا و شاید اصلاحات جدید در آیین دادرسی است تا ضمانت اجرای آرای این عالی‌ترین مرجع قضایی کشور مخدوش نگردد.

فهرست منابع و رفرنس‌ها

قانون اساسی جمهوری ترکیه: (Türkiye Cumhuriyeti Anayasası) مصوب ۱۹۸۲، با تأکید بر اصول مرتبط با قوه قضاییه (اصول ۱۳۸، ۱۴۶ الی ۱۵۳، و اصل ۱۵).

قانون تأسیس و آیین دادرسی دادگاه قانون اساسی ترکیه (شماره ۶۲۱۶): مصوب ۳۰ مارس ۲۰۱۱ (6216 Sayılı Anayasa Mahkemesinin Kuruluşu ve Yargılama Usulleri Hakkında Kanun).

رویه قضایی دادگاه قانون اساسی ترکیه: (Anayasa Mahkemesi Kararları) پایگاه رسمی آرای دادگاه قانون اساسی ترکیه – (kararlarbilgibankasi.anayasa.gov.tr) استناد به آرای مرتبط با آزادی بیان و پرونده رفع مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی (نظیر پرونده توییت‌ر/یوتیوب در سال ۲۰۱۴).

گوزلر، کمال). (Gözler, Kemal) ۲۰۲۱: (حقوق اساسی ترکیه) (Türk Anayasa Hukuku) ، انتشارات Ekin، بورسای ترکیه. (منبع معتبر دکترین حقوقی در تبیین تضاد آرا میان نهادهای عالی قضایی).

اروجو، اسین). (Örücü, Esin) ۲۰۱۳: (دادگاه قانون اساسی ترکیه: پاسدار سیستم (The Constitutional Court of Turkey: The Anayasa Mahkemesi as the Protector of the System)).

بحران حقوقی جان آتالای: گزارش‌های تحلیلی مرتبط با تنش و اختلاف صلاحیت میان دادگاه قانون اساسی ترکیه (AYM) و شعبه سوم دیوان عالی کشور (Yargıtay) در خصوص اجرای احکام شکایت فردی (پاییز ۲۰۲۳ - زمستان ۲۰۲۴).

اطلاعات رسمی قوه قضاییه ترکیه: (Mevzuat Bilgi Sistemi) سیستم پایگاه داده تقنینی نخست‌وزیری/ریاست‌جمهوری ترکیه. (mevzuat.gov.tr)